

نوین گام

مرجع آموزش ابتدایی، دبیرستان و کنکور



کنکور

دبیرستان

ابتدایی

ما توی این مسیر هواتون رو داریم

چجوری؟! اینجوری



نام و نام خانوادگی :

پایه پنجم ابتدایی

ارزشیابی فارسی / فصل ۳

۱- با مخالف کلمات زیر جمله بساز .

- نیرومند ≠

- عظیم ≠

۲- با انتخاب واژه مناسب از میان کمانک جاهای خالی را پر کن .

- دلیران ایران راه دوم را (برگزیدند - برگزیدند)

- گر (ابر - آتش - باران) بارد به پیکرم * جز مهرت در دل نپرورم

۳- در متن زیر حرف هایی که نوشته نشده را بنویس .

- ناگاه تاخت و تاز سه...مگین از سوی باخ...ر آغاز گشت .

- ای فرزند ان ایران بکوشید به کسب هنر و ف...لت که انسان ...روتمند و با هنر اگر چه گمنام باشد، به سبب ...قل و هنر در میان مردم شناخته شود .

۴- برای کلمات مشخص شده در داخل کمانک کلمات هم معنی بگذار .

- در میان این همه شکوه و جلال (.....) خیره کننده اش تاخت و تازی سهمگین (.....) (از سوی باختر آغاز شد

- تصویر (.....) کنید می خواهید حرف های بسیار مهم و ارزشمندی بگویید .

۵- ترکیب جدید بساز .

بنده + ی = سازنده + ی = پاینده + ی

۶- جدول زیر را کامل کنید .

کلمه	هم خانواده	معنی
حسود		
فقر		

۷- هر جمله چه پیامی دارد ؟

- صدای سرود زاغ بورها ، سکوت کویر را شکست .

- میهن دوستان تا آخرین قطره ی خون در برابر دشمن پایداری خواهند کرد.

۸- شعر زیر را به زبان ساده معنی کن .

هنوزم ز خردی به خاطر درست	*	که در لانه ماکیان برده دست
به منقارم آن سان به سختی گزید	*	که اشکم چو خون از رگ آن دم جهید
پدر ، خنده بر گریه ام زد که هان	*	وطن داری آموز از ماکیان

۹- داستان زیر را بخوان و به سوالات پاسخ بده .

حفظ امانت

مردی در هنگام تاریکی سحر از خانه بیرون آمد تا به گرمابه برود □ در راه دوست خود را دید و از او خواست تا با هم به گرمابه بروند. دوستش گفت □ تا نزدیکی گرمابه تو را همراهی می کنم □ ولی چون کاری دارم نمی توانم به گرمابه بیایم . با هم تا نزدیکی گرمابه رفتند و چون به یک دوراهی رسیدند □ دوست بدون آنکه به مرد خبر دهد به راهی دیگر رفت . اتفاقاً دزدی نیز برای دزدی از گرمابه به دنبال این مرد می آمد.

مرد در تاریکی او را به جای دوست خویش اشتباه گرفت و صد دینار که در نزد خود داشت را به دزد داد و به او گفت : ای برادر □ این امانت را تا برگشتن من از گرمابه نزد خود نگه دارد و سپس به من بازگردان . دزد پول ها را گرفت و همان جا ایستاد تا او از گرمابه بیرون آمد.

دزد او را صدا زد و گفت : ای جوانمرد □ طلای خویش باز گیر و برو که امروز من از شغل خویش به خاطر حفظ امانت تو باز ماندم . مرد گفت: این امانت چیست و تو که هستی □ دزد گفت: من مردی دزد هستم و تو این پول ها را به من دادی تا از گرمابه بیایی . مرد گفت: اگر دزد هستی چرا پول ها را نبردی □ دزد گفت: تو پول ها را به امانت به من سپردی و در جوانمردی رسم نیست که در امانت خیانت کرد، هرچند که دزد باشی.

قابوسنامه

الف - در □ نشانه های نگارشی مناسب بگذار .

ب- جدول را کامل کن .

شخصیت ها	
رویدادها	
پیام داستان	
زمان داستان	
مکان داستان	

نوین گام

مرجع آموزش ابتدایی، دبیرستان و کنکور



کنکور

دبیرستان

ابتدایی

ما توی این مسیر هواتون رو داریم

چجوری؟! اینجوری

